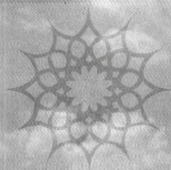


بحثی در فلسفه غیبت ولی عصر (عج)

و نقش انتظار ظهور

حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی شیخ الاسلام



# ● انتظار، حرکت و پیویایی است نه توقف و ایستایی

در میان انعقاد گسترده و گوناگون شخصیت برحسب تمام زمان «سلام الله علیها»

دو مقوله «غیبت» و «انتظار» اساسی تر و بحث انگیزتر است. ما در این

گفتار کوتاه به ذکر چند نکته مختصر درباره هر یک از این دو مقوله می پردازیم و برای مطالعه مباحث تفصیلی

این موضوع خوانندگان را به مطالعه مباحثی که در مقدمه «فلسفه غیبت و انتظار» در

پست وبکم ایفاد ماه سال ۶۸ در جمعیت زبان جمهوری اسلامی ایران برگزار شد دعوت می کنیم.

از فلسفه غیبت شروع می‌کنیم و از دیدگاهی که نسبت به این مقوله داریم. می‌پرسیم که معنای غیبت چیست و ما نسبت به آن چه دیدی داریم؟ غیبت در مورد حضرت بقیة الله «سلام الله علیه» هرگز به معنای «عدم حضور» نیست، بلکه مفهوم آن «عدم ظهور» و ناشناخته ماندن آن حضرت «علیه السلام» از دید ماست. بدین معنا که ما نمی‌توانیم امام «علیه السلام» را همچون یک انسان عادی و معمولی در جمع خویش ببینیم و بشناسیم. بنابراین، ایشان در جامعه انسانی و در جهان تکوین و تشریح حضور دارند. و حتی دیدنی هم هستند، یعنی دیدگانی هست که لیاقت دیدار ایشان را داشته باشد. اما با توجه به روایات، حتی افرادی که به دیدار آن حضرت «علیه السلام» افتخار یافته‌اند، حسرت و اندوهشان آن است که چرا در گاه دیدار او، حضرتش را نشناخته‌اند! پس غیبت در محدوده معرفت و عدم معرفت ظاهری مطرح است.

اکنون این پرسش به نظر می‌رسد که چرا امام «علیه السلام» که باید به عنوان امام در میان مردم باشد، مردم او را بشناسند، او آنان را مورد عنایت قرار دهد و مردم نیز بتوانند نیازهای مادی و معنوی خویش را بر او عرضه دارند و از برکات وجود مبارکش بهره‌مند شوند، در میان مردم نیست و شناخته نمی‌شود؟ در پاسخ به این پرسش توجه شما را به نکات زیر جلب می‌کنم:

۱- نکته اول آن است که آیا ارتباط امام با مردم و مردم با امام «علیه السلام» همیشه و با همه مردم به این طریق بوده است و باید باشد؟ با تأمل در این سؤال، مشکل غیبت تاحدودی حل خواهد شد که به این بحث در بیان نقش امام «علیه السلام» در روزگار غیبت خواهیم پرداخت.

۲- نکته دومی که باید به آن اشاره کنیم، آنست که با وجود تمام بحثهایی که در این زمینه شده است و می‌شود. انشای مقام اسرار غیبت، جز در زمان ظهور، ممکن نیست. بحث از غیبت، بحثی تازه نیست، بلکه بحثی است که از آغاز اسلام، و حتی از زمان پیامبر

اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» بوده است. خود پیامبر و همه ائمه معصومین «صلوات الله علیهم اجمعین» غیبت امام زمان «علیه السلام» را از مختصات وجود آنحضرت «علیه السلام» مطرح کرده‌اند و همه جا این سؤال مطرح بوده است که فلسفه این غیبت چیست؟ و جالب آن است که مقام این بزرگواران، با وجود آنکه به بخشی از اسرار این غیبت اشاره کرده‌اند، اما این نکته را

نیز تصریح فرموده‌اند که حقیقت امر جز در زمان ظهور معلوم شدنی نیست، و سایر ائمه معصومین نیز به برخورد خضر با موسی و داستان ایشان در سوره کهف تشبیه کرده‌اند. امام صادق «علیه السلام» در پاسخ به پرسش از فلسفه غیبت، می‌فرماید: همان گونه که اسرار اعمال خضر، مگر در لحظه جدایی، بر موسی معلوم نگشت، تمام اسرار غیبت نیز، جز در زمان ظهور آشکار شدنی نیست. بنابراین در بیان فلسفه غیبت و عوامل و راز و رمز آن هر چه گفته شود، بدون تردید در حد تواناییها و دریافتهای ماست، و نه بیان واقعیت امر.

۳- بی‌تردید، اگر در زمینه غیبت، سؤالی وجود داشته باشد و مشکلی مطرح شود، مربوط به جنبه امامت حضرت ولی عصر «علیه السلام»، و نه جنبه ولایت اوست. امامت، به عنوان شائسته ولایت به عنوان ریاست مطلقه در امور دنیا و دین مردم، حضور ظاهری امام «علیه السلام» را در جامعه می‌طلبد، و امام «علیه السلام» به عنوان عهده‌دار این مقام و معترف در جمیع شؤون ظاهری و معنوی انسانها، عموماً در جامعه اسلامی، خصوصاً، باید در متن و بطن جامعه و در تماس دائم با مردم باشد. اما از سویی دیگر، همه شؤون الهی معصومین ما «علیه السلام» در حد بعد امامت، به عنوان ریاست مطلقه امور دین و دنیای مردم خلاصه نمی‌شوند، بلکه امامان معصوم ما «علیهم السلام» صاحبان ولایت مطلقه کلیه الهی‌اند، و این شأن و شخصیت و مقام، تنها به شؤون تشریحی جامعه انسانی منحصر نمی‌شود، بلکه به موضع ولی مطلق در دار وجود و صاحب ولایت مطلقه در نحوه ارتباطش با همه ممکنات، و از جمله انسانها،

برمی‌گردد و از نوع ارتباط میان انسانهای عادی و معمولی با یکدیگر نیست. رابطه امام، به عنوان ولی مطلق، با همهٔ ممکنات، رابطهٔ جان است و جسم. و لازمهٔ این رابطه، رؤیت امام و معرفت ظاهری به او نیست، بنابراین، چه چشم بفهمد و چه نفهمد و چه گوش در یابد یا در نیابد و چه زبان بشناسد یا نشناسد، همگی از روحی مدد می‌گیرند. که قوام و قیام همهٔ این اندامها و مجموعهٔ پیکر به وجود او وابستگی دارد.

۴- آیا غیبت از ناحیه فاعل است یا از سوی قابل؟  
یعنی آیا امام زمان «علیه السلام» شناختنی نیست یا ما در آن حد نستیم که او را بشناسیم؟ و باید چنین استعدادی را پیدا کنیم. این، نکته‌ای بس ظریف و لطیف است که دقت و توجهی بسیار می‌طلبد. بی‌تردید، غیبت امام «علیه السلام» بیش از آنکه بجهت فاعل مربوط باشد، بجهت قابل مربوط می‌شود. به عبارت دیگر، او از «ما» غایب است، بلکه ما از دیدار او دور افتاده‌ایم که: «عدمه منا» و با این تفکر و بینش است که غیبت امام «علیه السلام» سازنده می‌شود. یعنی اگر بپذیریم که ما باید به رفع حجب و برداشتن دیوارهای مانع از دیدن و شناخت ولی عصر «عج» قیام کنیم، آنگاه غیبت به عنوان واقعیتی زنده و سازنده و با عنوان انتظار، مطرح می‌شود. و روایت می‌گوید: «افضل اعمال امتی انتظار الفرج».

اکنون بنا بر آنچه گفته شد، این پرسش مطرح می‌شود که با توجه به این غیبت و با عنایت به آنکه ما بهرحال، هنوز آمادگی و شایستگی ارتباط مستقیم و معرفت به حضرت بقیه الله «سلام الله علیه» و ظهور ایشان پیدا نکرده‌ایم، و با اصل انتظار، مأمور به ایجاد آمادگی و شایستگی در جامعهٔ اسلامی به عنوان کارگزاران این ظهور و در جوامع انسانی، به عنوان بهره‌مندان از این ظهور هستیم، پس نقش آن حضرت «علیه السلام» در روزگار غیبت و با وجود اصل انتظار چه خواهد بود؟ در پاسخ این پرسش، به نکات زیر اشاره می‌کنیم:

۱- آنچه از آیات و روایات برمی‌آید. آن است که

امام «علیه السلام» چه در ظهور و چه در غیبت، واسطهٔ فیض و محرای رحمت الهی است. و بهرحال، چه او در میان مردم باشد و چه مردم را توانایی بهره‌مندی از وجود ظاهر او نباشد. او «عین الله فی خلقه» و «حجة علی عباده» است و شخصیتی است که «بکم فتح الله و بکم یعتم الله و بکم ینزل الغیث و بکم یمسک السماء ان تقع علی الارض الا باذنه» است، یعنی در رساندن فیض‌ها و فضل‌های الهی به جوامع انسانی، امام، حتی در زمان غیبت، واسطه و حلقهٔ میانی خدا و خلق است و بهمین دلیل می‌فرماید: «لولا الحجة لسانة الارض اهلها» یعنی حتی لحظه‌ای و دمی، نمی‌توان زمین را بدون وجود امام معصوم، پابرجا و در حرکت تصور کرد؛ چه به مجرد قطع این واسطه، زمین، اهلس را در خود فرو خواهد بود و این نقش اصلی امام در تکوین و تشریح است.

✽ امام صادق (ع) در پاسخ به

پرسشی دربارهٔ فلسفهٔ غیبت

فرمودند: همانگونه که اسرار

انسان اعلم از مخضر مگر در لحظه

جدایی بر موسی معلوم

نگشت، تمام اسرار غیبت نیز

جز در زمان ظهور آشکار

شده‌نی نیست.

۲- برکت دیگر وجود امام «علیه السلام» در زمان غیبت، نگهداری و حفاظت از شریعت است. امام، در کنار پیامبر که عدل - مؤسسه دین است، عدل مطلق آن است. و این موقعیت، حتی در زمان غیبت، نیز برای امام محفوظ است. امام با تمام نیرو و قدرت، در فرار و نشیبهای گوناگون که بر دیانت گذشته است، و خود ما بسیاری از آنها را در روزگار انقلاب پیربرکت و شکوهمند اسلامی، می‌دیدیم. پیمان از شریعتی که مؤسسه آن است نگهداری و نگهداری کرده است که اگر نبود این ذخیره الهی، و اگر نبود این نیروی ولایی ایشان، یکی از همین حوادث و جریانها و حرکات ناسره، غیرواقعی و سرابگونه که «وجملنا لکل بنی عدو من المجرمین»، کافی بود تا بنیان دیانت بهم بریزد و اعتقادات مردم خدشه دار شود.

۳- از دیگر برکات مهم وجود امام زمان «علیه السلام» هدایت معنوی است. هدایت امام زمان، به بیان احکام منحصر نیست؛ امام «علیه السلام» تفکر، فقاقت، حرکت‌های جهاد و اجتهاد، انقلابهای برخاسته از متن دیانت و مجرا و مسیر تحقق دیانت را هدایت می‌کند. و این بر معنویان امر چنان روشن است که حتی در زندگی مراجع عظام تقلید، رهبران بزرگ دینی و مسئولان بزرگ اجتماعی و سیاسی اسلام، نمونه‌هایی بسیار از این هدایت را می‌توان بروشنی مشاهده کرد. در زندگی فقهای بزرگ می‌توان دید که به گاه تردید در بیان احکامی که بیان آن در جنبه‌های اجتماعی تأثیر داشته و به هوریت اسلام وابسته بوده است، این هدایت معنوی ولی عصر «سلام الله علیه» بوده است که تردید را از آنان زایل کرده و آنان را به قطعیت و صراحت در بیان حکم الهی رهنمون گشته است. و اساساً، معنای نیابت عام و ولایت فقیه، همان در معرض هدایت معنوی حضرت بقیة الله «سلام الله علیه» قرار گرفتن است.

۴- نقش دیگر حضرت بقیة الله «سلام الله علیه» در دوران غیبت، تحقق بخشیدن به قانون تدریجی بودن تکامل است. این امر در فلسفه انتظار نیز نقش اساسی را

\* غیبت امام زمان، تجلی دیگری از ظهور اوست.

\* منتظران امام علیه اسلام شهیدان زنده‌اند، یعنی تلاشگرانی هستند که نتیجه جهاد آنان به جای آنکه رها کردن حیات ظاهری باشد، کمال بخشیدن به این حیات تا سرحد دیدار ولی مطلق است.

به عهده دارد. انتظار، رفتن از کمال اول به جانب کمال دوم است و بنابراین، انتظار عین حرکت و پویایی است و نه توقف و ایستایی. انتظار حرکت از جانب واقعیتها به جانب حقیقتها و رسیدن به آنهاست. و در هیچ مقوله‌ای، مانند انتظار، پویایی، حرکت، جنبش، مسئولیت و تعهد نیست، با انتظار است که واقعیتهای موجود، به حقیقتهای ناب تبدیل می‌شوند و استعدادها به مرحله ظهور و بروز می‌رسند. فعلیتها در تکوین و تشریح تحقق پیدا می‌کنند و واقعیتها به حقیقت گره می‌خورند. انتظار در حقیقت یک جهاد است؛ جهادی که به جای شهادت، به شهود می‌انجامد و در حقیقت، منتظران امام «علیه السلام» شهیدان زنده‌اند؛ یعنی تلاشگرانی که نتیجه جهاد آنها به جای آنکه رها کردن حیات ظاهری باشد، کمال بخشیدن به این حیات، تا سرحد دیدار ولی مطلق است. به عبارت دیگر، انتظار، هجرتی است در دامن زمان. اگر هجرتها، همه در مکان است، هجرت منتظران امام «علیه السلام» زمانی است و هجرت عین حرکت است. می‌دانید که از دید فلسفه اسلامی «ظرفه و حرکت دفعی محال است» و غیبت ولی عصر «عج» این حقیقت را که تکامل به معنی گذشتن از کمال اول تا رسیدن به کمال دوم است و این تکامل، زمان‌مند و تدریجی است، معلوم می‌کند. بنابراین نقش امام «علیه السلام» در زمان غیبت، تحقق بخشیدن به قانون تدریجی بودن تکامل است.

۵- آخرین نکته‌ای که درباره نقش امام زمان «علیه السلام» در دوران غیبت، باید مطرح شود، توجه به حدیثی است که هم از زبان پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» و هم در منطق خود ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه» آمده است.

جابر از پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» می‌پرسد، انور وجود این امام غایبی که به ما و تاریخ اسلام و جامعه اسلامی و انسانی، مزده ظهورش را می‌دهد، در زمان غیبتش چیست؟ و پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» می‌فرماید، او «علیه السلام» در زمان

✽ حتی در زمان غیبت، امام واسطه و حلقه میانی خدا و خلق در رساندن فیضها و فضلهای الهی به جوامع انسانی است.

غیبت چونان آفتابی است که سایه ابری بر او افتاده است. و خود حضرت «علیه السلام» در پاسخ به این سؤال که انور وجودی شما در زمان غیبت چیست؟ می‌فرمایند: همان آتری که در تابش نور و حرارت آفتاب به گاه افتادن سایه ابری بر چهره آن است. این حدیث بسیار قابل تأمل است. تشبیه امام «علیه السلام» به آفتاب، از احاطه، اشراف و افاضه نور او بر تمام زوایای وجود حکایت می‌کند. مگر می‌توان آفتابی را که پشت ابر است، انکار کرد و مگر می‌توان وجود و حضور نور او را دریافت؟ این ابر، خود برآمده حرارت و تابش نور آفتاب بر سطح دریاست. و بالجمله به قول آن عارف «غیبت امام زمان (علیه السلام)، تجلی دیگری از ظهور اوست».